یادداشت

آیا علم نویدبخش صلح و پیشرفت است؟

ادامه از صفحه اول

آنها به این موضوع توجه کردند که علم و دانش در اختیار همگان نیست و برخی نخبگان آن را در اختیار دارند و دیگران باید به این نخبگان رجوع کنند. جامعه‌شناسی فرزند روشنگری است، اما در مواجهه انتقادی با روشنگری قرار دارد؛ هرچند رویکرد انتقادی را نیز روشنفکران قرن هجدهم در اختیار جامعه‌شناسان قرار دادند. سویه‌های تاریک و ظلمانی علم در قرن بیستم آشکار شد. تصور روشن‌بین گذشتگان به تیرگی گرایید. جهان علمی و پیشرفته خسارت‌هایی بزرگی ایجاد کرد. جنگ‌های جهانی، فجایع هیروشیما و ناگازاکی، امپریالیسم و استعمار، آشفتگی، ازخودبیگانگی و نابرابری سویه‌های تاریک پیشرفت آن بود. جامعه‌شناسان تبدیل به ناقدان رابطه بین علم، صلح و پیشرفت شدند. جامعه‌شناسان خواستار برطرف‌کردن کاستی‌های جهان صنعتی بودند. وبر، علم را به جهت وهم‌زدایی می‌ستود، اما نسبت به از دست رفتن معنا و آزادی هشدار می‌داد. مارکس نگران بهره‌کشی، ازخودبیگانگی و بت‌وارگی در جهان پیشرفته بود. هابرماس نگران این بود که منطق پول و قدرت، زیست‌جهان آدمیان را به استعمار درآورد. فوکو معتقد بود که نهادهای جدید با بهره‌گیری از انواع تکنیک‌ها، جامعه‌ای انضباطی را رقم می‌زند که شبیه زندانی بزرگ است. با وجود همه کاستی‌ها و نگرانی‌ها، اغلب جامعه‌شناسان به دنبال صورت‌بندی علوم رهایی‌بخش بودند؛ علومی که بتواند سازوکار پنهان سرکوب، تحریف، سلطه، بهره‌کشی و بیگانگی را برملا کرده و امید به رهایی را دوباره زنده کند. هرچند جامعه‌شناسی می‌تواند راه‌حل‌هایی علمی و واقع‌بینانه ارائه دهد، اما راه‌حل‌ها از بالا به پایین نیست، بلکه با علایق و منافع مردم ترکیب می‌شود. ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف، هشدار می‌دهد که علم نمی‌تواند ارزش تعیین کند، اما فقط ابزار هم نیست، بلکه می‌تواند باعث پذیرش مسئولیت بیشتر هم شود. ماکس وبر، افرادی را که به دنبال ارزش‌های مطلق هستند، نکوهش نمی‌کند و از رفتن به سوی آنها بازنمی‌دارد، بلکه افراد را دعوت می‌کند که با بهره‌گرفتن از علم، نتایج اعمال و تصمیم‌های خود را درک و پیش‌بینی کنند. آدمی با بهره‌گیری از علم، مسئولانه درباره پیامدهای کنش خود تأمل می‌کند. بنابراین جامعه‌شناسان برخلاف رمانتیک‌ها فقط سویه‌های منفی علم را نمی‌بینند و ارجاع به گذشته را هم سودمند نمی‌دانند، بلکه علم را نقادانه سنجش می‌کنند تا راهی به رهایی بیابند.

شکست مغروران، فرصت خردمندان

ادامه از صفحه اول

تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، با هر توجیه سیاسی و امنیتی، نمی‌تواند اصول منشور ملل متحد و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل را بی‌اعتبار کند. حق دفاع مشروع نیز حقی شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل است. دفاع از میهن در برابر تجاوز، وظیفه‌ای ملی است و نباید با اختلاف‌نظرهای سیاسی داخلی خلط شود. اما دفاع مشروع به معنای دائمی‌کردن وضعیت جنگی نیست و مقاومت در برابر تجاوز نیز جایگزین دیپلماسی نمی‌شود. قدرت دفاعی و دیپلماسی دو ابزار مکمل پاسداری از منافع ملی‌اند: اولی مانع تحمیل اراده دیگران می‌شود و دومی از تبدیل اختلاف‌ها و تهدیدها به جنگ‌های فرسایشی جلوگیری می‌کند. ایران باید از فرصت کنونی برای بازنگری در روابط خارجی و خروج از انزوا بهره گیرد. این امر مستلزم گسترش روابط متوازن، کاهش تنش‌های غیرضروری و ایجاد مناسبات سازنده با کشورهای منطقه و جهان است. سیاست خارجی موفق باید بر حفظ استقلال و عزت ملی، تأمین منافع واقعی مردم و پایبندی به حقوق بین‌الملل و صلح عادلانه استوار باشد. دیپلماسی هوشمندانه می‌تواند زمینه پایان‌دادن به وضعیت نه جنگ و نه صلح، رفع تحریم‌های زیان‌بار، بازسازی روابط اقتصادی و علمی و فراهم‌کردن شرایط توسعه پایدار را مهیا کند. مذاکره نشانه ضعف نیست، همان‌گونه که تأمین توان دفاعی نشان توسعه‌طلبی نیست؛ این دو در کنار هم می‌توانند موفقیت در دفاع را تأمین کنند. ایران همچنین نباید اجازه دهد رقابت قدرت‌های جهانی آن را به عرصه تقابل‌های نیابتی یا وابستگی‌های راهبردی تبدیل کند. همکاری بین‌المللی هنگامی ارزشمند است که بر احترام متقابل و منافع مشترک استوار باشد.

سوم. پیوند سیاست داخلی و خارجی: بنیاد تاب‌آوری ملی

سیاست داخلی و خارجی دو عرصه مستقل از یکدیگر نیستند. موفقیت دیپلماسی به پشتوانه اجتماعی نیرومند نیاز دارد و اقتدار دفاعی نیز بدون اعتماد عمومی فرسوده می‌شود. تاب‌آوری ملی صرفا به معنای تحمل دشواری‌ها و مقاومت در برابر فشار خارجی نیست، بلکه توان جامعه برای حفظ همبستگی، بازسازی ظرفیت‌های اقتصادی و نهادی، اصلاح خطاها و عبور خلاقانه از بحران‌هاست. چنین تاب‌آوری‌ای هنگامی پدید می‌آید که شهروندان به آینده امیدوار باشند، عدالت را در زندگی خود احساس کنند، از آزادی و امنیت برخوردار باشند و بدانند صدایشان شنیده می‌شود. بنابراین، اصلاح شیوه زمامداری و بازسازی اعتماد عمومی، امتیازی سیاسی به یک جناح یا گروه اجتماعی نیست، بلکه ضرورتی ملی و پیش‌شرط امنیت پایدار کشور است. ایران همواره به قرارداد اجتماعی فراگیر نیاز داشته است که در آن میهن از آن همه ایرانیان باشد و حقوق، آزادی‌ها، مسئولیت‌ها و فرصت‌ها بر مبنای شهروندی برابر تعریف شوند.

چهارم. واپسین سخن. پیروزی راستین، پیروزی کرامت انسانی است

شکست سیاسی نتانیاهو و ضربه انتخاباتی به ترامپ، به‌خودی‌خود به معنای پایان جنگ‌طلبی، تجاوز یا سیاست‌های سلطه‌جویانه نیست. اما این تحولات یادآور می‌شوند که هیچ قدرتی از داوری جامعه و تاریخ مصون نیست و هیچ سیاستی نمی‌تواند برای همیشه از پاسخگویی در برابر پیامدهای خود بگریزد. همه ایرانیان متعهد به دفاع از منافع ملی باید بپذیرند که از شکست دیگران برای بازنگری لازم در سیاست داخلی و خارجی درس بگیرند. فرصت‌های تاریخی نباید با تندروی، خودبزرگ‌بینی و نادیده‌گرفتن واقعیت‌های جهان از دست بروند. ایران نه به جنگ‌طلبی نیاز دارد و نه تسلیم را می‌پذیرد؛ نه به انزوای خودخواسته روی می‌آورد و نه به وابستگی تن می‌دهد. ایران به قدرت دفاعی بازدارنده، دیپلماسی خردمندانه، توسعه علمی و اقتصادی، عدالت اجتماعی، آزادی شهروندان و همبستگی ملی نیاز دارد. دفاع از میهن و دفاع از کرامت انسان دو وظیفه متعارض نیستند، همان‌گونه که مخالفت با تجاوز خارجی مستلزم چشم‌پوشی از نقد شرایط داخلی نیست. می‌توان و باید هم‌زمان در برابر تجاوز ایستاد، از استقلال ایران دفاع کرد، آزادی و حقوق مردم را مطالبه کرد و برای صلحی عادلانه در منطقه و جهان کوشید. ایران هنگامی شکست‌ناپذیرتر خواهد بود که همه ایرانیان، با هر عقیده و سلیقه‌ای، خود را صاحب این سرزمین و سهیم در آینده آن بدانند. شاید مهم‌ترین درس شکست مغروران همین باشد: قدرت پایدار از غلبه بر دیگران برنمی‌خیزد؛ از اعتماد مردم، خرد سیاسی، عدالت و احترام به کرامت انسانی سرچشمه می‌گیرد.

مأموریت تشکیل کابینه به رقیب نتانیاهو رسید، اما موانع ائتلاف پابرجاست

مأموریت دشوار آیزنکوت



شرق: فرصتی که ظاهرا گادی آیزنکوت را یک قدم به نخست‌وزیری نزدیک کرده، ممکن است راه ماندن بنیامین نتانیاهو در قدرت را هموارتر کند. اسحاق هرتزوگ، رئیس‌جمهور اسرائیل، نخستین مأموریت تشکیل کابینه پس از انتخابات ۲۷ اکتبر را به گادی آیزنکوت سپرد، اما مخالفت آویگدور لیبرمن با اتکا به احزاب عرب و اختلاف بر سر خدمت سربازی حریدی‌ها، تشکیل دولت را دشوار کرده و فرصتی تازه پیش‌روی نتانیاهو قرار داده است. حزب لیکود با کسب ۲۷ کرسی، بزرگ‌ترین حزب کنست شده و مجموعه احزاب همراه بنیامین نتانیاهو ۵۳ کرسی دارند. در مقابل، چهار حزب اصلی مخالفان او فقط ۴۸ کرسی به دست آورده‌اند؛ کمتر از ۶۱ کرسی لازم برای تشکیل دولت. ۱۹ رأی دیگر که گادی آیزنکوت را در مشورت‌های ریاست‌جمهوری به عدد ۶۷ رسانده، متعلق به فهرست مشترک عربی با ۱۱ کرسی و حزب رعام با هشت کرسی است. همین فاصله و تفاوت میان توصیه به یک نامزد و تعهد به حمایت از کابینه او، سرنوشت مذاکرات را پیچیده کرده است. حکم رسمی آیزنکوت روز گذشته در اقامتگاه اسحاق هرتزوگ به او سپرده شد. آیزنکوت ابتدا ۲۸ روز برای تشکیل کابینه فرصت دارد و می‌تواند حداکثر ۱۴ روز دیگر درخواست تمدید مهلت کند. اگر پس از ۴۲ روز به توافق نرسد، هرتزوگ بار دیگر با رهبران احزاب مشورت خواهد کرد. هرتزوگ پیش‌تر هشدار داده بود شمار توصیه‌نامه‌ها به‌تنهایی مانع اختلاف‌ها و شروط متقابل احزاب نمی‌شود. گروه‌های پارلمانی صاحب ۶۷ کرسی نام آیزنکوت را پیشنهاد کرده‌اند، درحالی‌که نتانیاهو فقط ۴۶ توصیه‌نامه گرفته است. هفت نماینده حزب فوق ارتدوکس «یهودیت متحد توراتی»، برخلاف همراهی دیرینه با نتانیاهو، از معرفی هر دو نامزد خودداری کرده‌اند. در جبهه مخالفان، ائتلاف «باهم» به رهبری نفتالی بنت و یائیر لاپید ۱۲ کرسی، دموکرات‌ها به رهبری یائیر گولان هشت کرسی و حزب «اسرائیل خانه ما» به رهبری آویگدور لیبرمن هفت کرسی دارند. رهبران این احزاب بر کناررفتن نتانیاهو توافق دارند، اما درباره شیوه تشکیل دولت هنوز به تفاهم نرسیده‌اند.

مخالفت لیبرمن با حمایت اعراب

بزرگ‌ترین مخالفت از سوی لیبرمن مطرح شده است و می‌گوید نه به حضور احزاب عرب در ائتلاف رضایت می‌دهد و نه از دولت اقلیتی حمایت می‌کند که بقایش به رأی یا حتی خودداری نمایندگان فهرست مشترک و رعام از مخالفت وابسته باشد. این مخالفت مستقیم پشتوانه ۱۹ کرسی آیزنکوت را هدف می‌گیرد. معرفی او به رئیس‌جمهور از سوی این دو حزب عرب، به معنای موافقت سایر اعضای جبهه مخالف با اتکا به حمایت آنان نیست. لیبرمن برای توضیح مخالفتش به دولت بنت و لاپید اشاره کرده که در سال ۲۰۲۱ تشکیل شد و اندکی بیش از یک سال دوام آورد. او معتقد است دولتی با چنین ترکیبی حتی کمتر دوام می‌آورد و پس از سقوطش نتانیاهو می‌تواند با ۷۰ کرسی به قدرت بازگردد. لیبرمن در هشداری تند، بازگشت احتمالی نتانیاهو را تا مرز تهدید موجودیت اسرائیل توصیف کرده و از «ویرانی معبد سوم» سخن گفته است. از نگاه او، تغییر نخست‌وزیر فقط زمانی ارزش دارد که دولت جایگزین توان ادامه کار داشته باشد. همین نگرانی، لیبرمن را به تجدیدنظر در برخورد با احزاب مذهبی سوق داده است. او که سال‌ها با معافیت سربازی دانشجویان مدارس دینی یهودی و امتیازهای احزاب حریدی مخالفت کرده، اکنون این آمادگی را نشان داده تا درباره قانون خدمت نظامی مصالحه کند. لیبرمن سه شرط را برشمرده است: پایان دوره نتانیاهو، جلوگیری از انتخابات مجدد و تشکیل‌نشدن دولت وابسته به حمایت احزاب عرب. او می‌گوید با توجه به چالش‌های پیش‌روی اسرائیل، منافع ملی باید بر اختلاف‌های گذشته مقدم باشد.

گره سربازی

چرخش لیبرمن راه مذاکره با «یهودیت متحد توراتی» را گشوده است. یاکوف آشر، از رهبران این حزب، از انعطاف او استقبال کرده، اما می‌گوید هنوز پیشنهاد مشخصی دریافت نکرده و هر توافقی باید به تأیید مقام‌های مذهبی حزب برسد. اختلاف اصلی بر سر سربازی اجباری است: احزاب فوق ارتدوکس خواهان تضمین وضعیت دانشجویان مدارس دینی‌اند، درحالی‌که آیزنکوت و شماری از شرکایش گسترش خدمت نظامی، ملی یا مدنی را مطالبه می‌کنند. حتی اگر هفت کرسی یهودیت متحد توراتی به جمع ۴۸ کرسی ائتلاف اصلی آیزنکوت افزوده شود، حاصل فقط ۵۵ کرسی خواهد بود. رسیدن به اکثریت مطلق بدون احزاب عرب به جلب حمایت نمایندگان دیگری نیاز دارد. حزب شاس، با شش کرسی، از نتانیاهو حمایت کرده و اعلام کرده حاضر نیست در دولتی با حضور لیبرمن شرکت کند. به این ترتیب، هر مصالحه احتمالی با یک حزب مذهبی لزوما راه را برای همکاری دیگر احزاب حریدی باز نمی‌کند. در خود جبهه مخالفان نیز مصالحه هزینه سیاسی دارد. آمیت سگال، تحلیلگر اسرائیلی، هشدار داده نزدیک‌شدن لیبرمن به احزاب حریدی ممکن است بخشی از رأی‌دهندگان سکولارش را از او دور کند. یائیر گولان، رهبر دموکرات‌ها، برای مذاکره با این احزاب اعلام آمادگی کرده، اما خواستار افزایش مشارکت حریدی‌ها در سربازی و احترام آنان به شیوه زندگی سکولار شده است. او تأکید کرده مردم باید بتوانند روزهای شنبه در شهرهای خود قهوه بنوشند و از حمل‌ونقل عمومی استفاده کنند؛ خواسته‌هایی که با حساسیت احزاب مذهبی افراطی روبه‌رو است.

تقابل آیزنکوت و نتانیاهو

آیزنکوت پس از دریافت خبر مأموریتش گفت زمان تشکیل «دولت اضطراری ملی» فرا رسیده و مذاکرات اولیه با شرکای سیاسی پیشرفت داشته است. او چهار اصل را مبنای دولت پیشنهادی قرار داده است: «پذیرش اسرائیل به عنوان کشور یهودی و دموکراتیک، پایبندی به ارزش‌های اعلامیه استقلال، خدمت همگانی نظامی یا ملی و مدنی و به رسمیت شناختن حماس به عنوان سازمان تروریستی همراه با تعهد به برچیدن توان نظامی و حکومتی آن». این شروطی است که احزاب عرب حاضر به پذیرش آن نیستند. آیزنکوت گفته نمایندگان دیگر احزاب نیز در صورت پذیرش این اصول می‌توانند به دولت بپیوندند. او وضعیت را «اضطراری و خطرناک» توصیف و دولت کنونی را متهم کرده دموکراسی اسرائیل را تهدید می‌کند. به گفته آیزنکوت، ادامه بی‌ثباتی سیاسی، چالش‌های امنیتی و دیپلماتیک را عمیق‌تر خواهد کرد. نتانیاهو که تا تشکیل دولت تازه همچنان نخست‌وزیر موقت است، پیش از اعلام تصمیم هرتزوگ در پیامی ویدئویی از احزاب موسوم به «بلوک تغییر» خواست با ائتلاف کنونی او دولت وحدت ملی بسازند. او با اشاره به مخالفت‌های درونی جبهه مقابل، خود را آماده همکاری با احزاب ملی‌گرا و صهیونیست معرفی کرد و مدعی شد «دولتی وابسته به حامیان حماس، با حماس نخواهد جنگید» و هشدار داد چنین ساختاری اسرائیل را با بحران‌هایی مشابه و حتی بدتر از تحولات این روزهای اروپا روبه‌رو می‌کند. پاسخ حزب یاشار نشان داد اختلاف بر سر رهبری دولت همچنان پابرجاست. این حزب نتانیاهو را به ایجاد تفرقه و پایبندنماندن به توافق‌های گذشته متهم کرد و گفت اگر لیکود واقعا خواهان وحدت است، باید اتحاد با احزاب تندرو را پایان دهد، چهار اصل آیزنکوت را بپذیرد و به دولتی با نخست‌وزیری او بپیوندد. یاشار به وعده پیشین نتانیاهو درباره ندادن مقام ارشد به ایتامار بن‌گویر نیز اشاره کرد. پیشنهاد وحدت ملی، به‌جای حل فوری بحران، اختلاف درباره نخست‌وزیر و ترکیب ائتلاف را برجسته‌تر کرده است.

فرصت نتانیاهو در صورت ناکامی رقیب

با آشکارشدن موانع آیزنکوت، این برداشت قوت گرفته که نخست‌وزیر کنونی ممکن است از واگذاری نخستین مأموریت به رقیبش اصلا ناخشنود نباشد. نتانیاهو اکنون می‌تواند منتظر بماند تا آیزنکوت برای جلب رضایت لیبرمن، احزاب عرب و مذهبی با دشواری روبه‌رو شود. اگر این تلاش شکست بخورد، مسئولیت ناکامی نخستین دور مذاکرات متوجه رقیب خواهد بود و نتانیاهو فرصت می‌یابد بار دیگر برای جلب حمایت نمایندگان و تشکیل اکثریت تلاش کند. همچنین ممکن است انتخابات تازه، پس از تجربه ناکام مخالفان، در فضای سیاسی متفاوتی برگزار شود.

این محاسبه برای نتانیاهو مزیت دیگری هم دارد. مخالفان پس از دریافت نخستین فرصت دیگر به‌آسانی نمی‌توانند مدعی شوند امکان تشکیل دولت از آنها دریغ شده است. بااین‌حال، شکست آیزنکوت به معنای واگذاری خودکار مأموریت به نتانیاهو نیست؛ هرتزوگ باید دوباره با احزاب مشورت کند و درباره نامزد بعدی تصمیم بگیرد. نتانیاهو نیز برای رسیدن به ۶۱ کرسی همچنان به جذب همراهان تازه یا شکستن صف مخالفان نیاز دارد. پیشنهاد دولت وحدت و هشدارهای او درباره اتکا به احزاب عرب، در همین نبرد بر سر ترکیب دولت بعدی جای می‌گیرد. اکنون چهار مسیر روی میز است: نتانیاهو با جذب نمایندگان جداشده از احزاب دیگر اکثریت بسازد، آیزنکوت دولتی متکی به حمایت احزاب عرب تشکیل دهد، احزاب بر سر دولت وحدت ملی توافق کنند، یا بن‌بست ایجاد شود و به انتخابات دیگری بینجامد. در کنار مذاکرات، نتانیاهو درباره برخی موارد احتمالی تخلف انتخاباتی نیز اعتراض کرده و تحقیقات مرتبط ادامه دارد، اما کمیته مرکزی انتخابات اعلام کرده بررسی‌ها خدشه‌ای به سلامت نتیجه رأی‌گیری نشان نداده است. سرنوشت مأموریت آیزنکوت در نهایت به حل اختلاف‌های واقعی درباره حضور احزاب عرب، سربازی حریدی‌ها و رهبری دولت بستگی دارد؛ اختلاف‌هایی که در روزهای نخست مذاکرات همچنان پابرجاست.

خبر

شی و چالش جانشینی

با نزدیک‌شدن به بیست‌ویکمین کنگره حزب کمونیست چین در اواخر سال ۲۰۲۷، گمانه‌زنی‌ها درباره جانشین احتمالی شی جین‌پینگ بار دیگر افزایش پیدا کرده است. شی که با کنارگذاشتن محدودیت دودوره‌ای ریاست‌جمهوری، عملا امکان تداوم حضور خود در قدرت را فراهم کرده، تاکنون چندین چهره بالقوه جانشینی را از صحنه سیاسی کنار زده است. با این حال، تغییرات گسترده اخیر در مدیریت استان‌های چین ممکن است نشانه‌هایی از نسل بعدی رهبران این کشور را آشکار کند. فارن‌پالیسی در گزارشی نوشته است: در ماه‌های اخیر، موجی از انتصاب‌ها در استان‌های مهم چین رخ داده است. ژو جونگ‌مینگ، متولد ۱۹۷۲، به سرپرستی شهرداری شانگهای رسید. هم‌زمان، مقام‌هایی متولد دهه ۱۹۶۰ در استان‌هایی مانند آنهویی، هنان، هونان و یون‌نان به دبیر کلی حزب منصوب شدند و شماری از مدیران متولد دهه ۱۹۷۰ نیز در مسیر تصدی استانداری‌ها قرار گرفتند. این تحولات از یک جابه‌جایی نسلی در ساختار قدرت چین حکایت دارد؛ متولدین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۹ به تدریج به سمت‌های کلیدی حزبی می‌رسند و متولدین دهه ۱۹۷۰ نیز در حال ورود به سطوح بالای مدیریت هستند. چهره‌هایی مانند لیو جیه، استاندار ژجیانگ، لیو شیائوتائو، استاندار جیانگسو و لو دونگ‌لیانگ، استاندار شانشی، ازجمله این نسل جدید مدیران محسوب می‌شوند. اما مسئله اصلی صرفا شناسایی چهره‌های جوان‌تر نیست؛ بلکه این است که شی چه ویژگی‌هایی را برای جانشین خود ضروری می‌داند. به اعتقاد نویسنده، سه معیار در این انتخاب اهمیت اساسی دارد. نخست، حفاظت از میراث سیاسی شی است. جانشین او باید فردی باشد که پس از رسیدن به قدرت، سیاست‌ها و ایدئولوژی شی را کنار نگذارد. شی نمی‌خواهد جانشینش مانند خروشچف، میراث رهبر پیشین را پس از مرگ او به چالش بکشد یا مانند دنگ شیائوپینگ، ضمن حفظ جایگاه مائو، نظام سیاسی به‌جامانده از او را به‌طور بنیادین تغییر دهد. دوم، پیش‌بینی‌پذیری سیاسی و وفاداری است. شی می‌داند که قدرت می‌تواند رفتار افراد را تغییر دهد. جانشینی که امروز مطیع او است، ممکن است پس از رسیدن به بالاترین مقام حزبی، پایگاه قدرت مستقل خود را ایجاد کند. بنابراین، شی به فردی نیاز دارد که هم توانایی اداره نظام سیاسی را داشته باشد و هم از مسیر سیاسی او فاصله نگیرد. سوم، توانایی حکمرانی و مدیریت بحران است. رهبر آینده چین باید بتواند با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی، رقابت فناورانه و ژئوپلیتیکی با آمریکا و تنش‌های احتمالی بر سر تایوان مقابله کند. بیست‌ویکمین کنگره حزب، حتی اگر ترکیب نسل جدید رهبران را مشخص کند، لزوما نام جانشین شی را آشکار نخواهد کرد؛ بلکه فقط نشان می‌دهد چه کسانی به مراحل پایانی این رقابت رسیده‌اند.

مدرک گواهینامه موقت فارغ التحصیلی **اینجانب فائزه میرزایی** فرزند سیاوش به شماره شناسنامه ۰۰۱۷۹۴۸۲۴۱ ، صادره از تهران در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته معماری صادره از واحد دانشگاهی دانشگاه آزاد واحد شهر قدس به شماره ۱۴۹۹۲۵۰۰۳۰۴۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده خواهشمند است مدرک گواهینامه موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس به آدرس : استان تهران، شهرستان قدس، جاده اندیشه، بلوار شهید کلهر، دانشگاه آزاد شهر قدس ارسال نماید.

کارت خودرو سوزوکی ویتارا مسی مدل ۱۳۹۰
به شماره پلاک ۶۷۱ق۷۲ ایران ۴۲
شماره شاسی NAAS۳۹SE۳BK۰۲۱۴۷۱و
شماره موتور J۲۴B۱۱۳۷۵۵۷ به نام **محمد محمدپور**
با کد ملی ۶۵۱۹۸۱۳۹۰۷ در ۱۴۰۳/۰۲/۲۰
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

مدارک کامل خودرو آوانته مشکی مدل ۱۳۸۸
به شماره پلاک ۶۸ایران ۵۲۱س۹۱
شماره شاسی: IR۸۸۳۳۲۱۰۵۰۵۴
و شماره موتور: G۴GC۸۴۱۴۴۸۵
به نام بابک پناهی با کدملی ۰۳۱۲۸۱۳۸۸۰
در ۱۴۰۵/۰۶/۲۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز موتور سیکلت انژکتوری کویر مشکی مدل۱۴۰۰
به شماره پلاک ۷۸۲ایران ۶۲۴۲۶
شماره شاسی: N۵۸S۲CF۰۰MEC۰۵۵۵۳
و شماره موتور: ۱۵۰N۵۸۰۰۹۵۷۷ به نام **علی قندی**
با کد ملی ۰۶۳۰۱۷۹۵۷۳ در ۱۴۰۵/۰۷/۱۸
مفقود شده و فاقد اعتبار است.

دفترچه پروانه وکالت پایه یک به شماره پروانه ۳۶۱۴۶
متعلق به **خانم هاجر پناهی انزانی** به شماره ملی
۵۵۶۰۱۸۳۳۴۲ صادره از کانون وکلای دادگستری (مرکز)
مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده
موسسه آموزشی فرهنگی بینش سلمان
به شماره ثبت ۷۶۳۱وشناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۹۴۸۲
بدینوسیله ازکلیه شرکاء و یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می شود: درجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده موسسه که در تاریخ پنجشنبه ۱۴۰۵/۰۹/۱۲ ساعت ۱۰:۰۰ صبح درمحل قانونی موسسه به آدرس: تهران، خیابان شریعتی، خیابان یخچال، خیابان شهید فکوریان، خیابان مشایخی، پلاک ۶ تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند.
موضوع جلسه : تعیین اعضاء هیات مدیره، سمت و دارندگان حق امضاء در موسسه. **هیات مدیره – موسسه آموزشی فرهنگی بینش سلمان**

آگهی ابلاغ دادخواست سازمان خصوصی سازی
به طرفیت:
۱ – شرکت سرمایه گذاری اقتصاد نوین پارسیان
۲ –سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)
۳ –شرکت فولاد میبد به خواسته مطالبه و الزام به جبران خسارت و ضرر و زیان وارده ناشی از عملکرد خوانده ردیف اول در دوره تصدی مطابق گزارش حسابرسی ویژه به مبلغ ۱/۷۳۹/۰۴۸ میلیون ریال و سایر خسارات وارده از جمله هزینه حسابرسی ویژه به مبلغ ۱۰/۷۱۹ میلیون ریال
خواهان :
سازمان خصوصی سازی دادخواستی به طرفیت خوانده ها طرفیت
۱ – شرکت سرمایه گذاری اقتصاد نوین پارسیان
۲ –سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران(ایمیدرو)
۳ – شرکت فولاد میبد به خواسته مطالبه و الزام به جبران خسارت و ضرر و زیان وارده ناشی از عملکرد خوانده ردیف اول در دوره تصدی مطابق گزارش حسابرسی ویژه به مبلغ ۱/۷۳۹/۰۴۸ میلیون ریال و سایر خسارات وارده از جمله هزینه حسابرسی ویژه به مبلغ ۱۰/۷۱۹ میلیون ریال ، به هیأت داوری موضوع ماده ۳۰ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تقدیم و تقاضای رسیدگی و صدور حکم نموده و در این هیأت داوری به شماره پرونده کلاسه ۱۴۰۴/۲۵ ثبت و مطرح می باشد و به علت مجهول المکان بودن خوانده ردیف اول (شرکت سرمایه گذاری اقتصاد نوین پارسیان) و حسب درخواست خواهان و دستور رئیس هیأت داوری مذکور مستنداً به ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مراتب را برای یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ردیف اوّل ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر هیأت داوری مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست سازمان خصوصی سازی و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر که متعاقباً مشخص خواهد شد جهت رسیدگی در هیأت داوری حاضر گردند.
علیرضا درویشی – دبیر هیأت داوری

آگهی دعوت مجمع فوق‌العاده (نوبت اول)
موسسه انجمن علمی تغذیه ایران
با شماره ثبت ۴۸۱۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۶۲۳۶۹۱
بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن علمی تغذیه ایران برای حضور در مجمع فوق‌العاده نوبت اول انجمن علمی تغذیه ایران که در روز پنجشنبه مورخ ۱۹ آذر ماه ۱۴۰۵ که از ساعت ۱۳ الی ۱۶ به آدرس تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد، سالن ۵ تشکیل می‌گردد، دعوت بعمل می‌آید.
دستور جلسه:
۱- اصلاح و تصویب اساسنامه جدید
۲- سایر تصمیمات و گزارشاتی که در صلاحیت مجمع فوق‌العاده انجمن علمی تغذیه ایران می‌باشد.
هیئت‌مدیره انجمن علمی تغذیه ایران

آگهی دعوت مجمع عمومی(نوبت دوم)
موسسه انجمن علمی تغذیه ایران
با شماره ثبت ۴۸۱۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۶۲۳۶۹۱
بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن علمی تغذیه ایران برای حضور در مجمع عمومی نوبت دوم انجمن علمی تغذیه ایران که در روز چهارشنبه مورخ ۱۸ آذرماه ۱۴۰۵ که از ساعت ۱۲ الی ۱۳ به آدرس تهران مرکز همایش‌های بین‌المللی برج میلاد، سالن ۴ تشکیل می‌گردد، دعوت بعمل می‌آید.
دستور جلسه:
۱- گزارش رئیس، دبیر و خزانه‌دار
۲- حق عضویت
۳- سایر تصمیمات و گزارشاتی که در صلاحیت مجمع عمومی انجمن علمی تغذیه ایران می‌باشد.
هیئت مدیره انجمن علمی تغذیه ایران